

بررسی عملکرد اتحادیه اروپا
در چهارچوب موافقتنامه‌های
تجاری مشروط به حمایت از
حقوق بشر

حاتم صادقی زیازی *

نازیلا سیه جانی **

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



hatamsateghi@gmail.com

n_siahjani@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۹۴/۹/۲۶

* استادیار دانشگاه پیام نور

** نویسنده مسئول، کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۴

فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۷۷-۱۴۷.

چکیده

اتحادیه اروپا مدعی است که به کارگیری شروط حقوق بشر در موافقتنامه‌های تجاری، در جهت حمایت از مفهوم حقوق بشر، حائز اهمیت است. در این راستا اتحادیه اروپا در غالب موافقتنامه‌های تجاری منعقد شده با سایر کشورها که عمدتاً شامل کشورهای در حال توسعه است، شروط رعایت موازین حقوق بشر را درج نموده است. عدم رعایت توافق، تعلیق و تدابیر محدودکننده موافقتنامه را در پی خواهد داشت. در پژوهش حاضر، هدف بررسی عملکرد اتحادیه اروپا جهت حمایت از حقوق بشر براساس روش‌های اتخاذ شده این اتحادیه است. همچنین میزان قابلیت و اثرگذاری آن در پیشرفت و بهبود وضعیت حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است. سئوالات مطروحه بر این اساس است: موافقتنامه‌های تجاری مذکور به چه میزان می‌توانند در حمایت از حقوق بشر مؤثر باشند؟ آیا اساساً این طیف از موافقتنامه‌ها می‌توانند به مباحث حقوق بشری بپردازند؟ کشورهای طرف پیمان به چه میزان از انعقاد چنین موافقتنامه‌هایی رضایت دارند؟ به واسطه نتایج حاصل از تحقیق حاضر، کشورهایی که در حال انعقاد موافقتنامه تجاری هستند، می‌توانند نسبت به شرایط جدیدی که در حوزه تجارت بین‌الملل ایجاد شده آگاهی یابند و بنا به اطلاعات دریافتی و مقایسه آن با شرایط و موقعیت خود بتوانند تجزیه و تحلیل مناسبی بنمایند. لذا با در نظر گرفتن مصالح خود از شرط حمایت از حقوق بشر در انعقاد موافقتنامه استفاده نمایند و با دقت نظر بیشتری تصمیم به رد و یا قبول موافقتنامه بگیرند.

واژه‌های کلیدی: موافقتنامه‌های تجاری، اتحادیه اروپا، کشورهای توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه، حقوق بشر، حمایت

مقدمه

حقوق بشر و تجارت از مفاهیم بسیار پویا هستند. به این معنی که با گذر زمان و به کمک مطالعات و تحقیقات بسیار تکامل یافته‌اند. حقوق بشر که تنها شامل برخی از مهم‌ترین حقوق مدنی و سیاسی بود، امروزه بسیاری از حقوق رفاهی و فرهنگی را نیز در برمی‌گیرد. حقوق همبستگی نیز سومین نسل آن محسوب می‌شود. تجارت نیز در طول زمان از یک مفهوم تک‌بعدی با اهداف محدود که بیشتر جوانب اقتصادی آن مدنظر بود، به مفهومی چندبعدی با اهداف گسترده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تبدیل شده است. قوانین «تجارت بین‌الملل» و «حقوق بشر» هرکدام بر مبنای ارزش‌های مشخصی شکل گرفته و توسعه یافته‌اند. اگرچه در نگاه اول از لحاظ مبنا و اهداف دو حوزه مجزا از هم به نظر می‌رسند. این درحالی است که اگر با دقت بیشتری به این مفاهیم بنگریم، درخواهیم یافت که هر دو در پی اهداف مشابهی هستند و آن هدف والای تأمین رفاه و آسایش نوع بشر است. اما هریک به شیوه خود در پی رسیدن به این مهم می‌باشند. باید اذعان داشت که در عرصه حقوق بین‌الملل فارغ از مباحث حقوق بشر، با کمی تأمل می‌توان دریافت که حقوق بشر در حوزه مسائل تجاری نیز رسوخ پیدا کرده و می‌توان ادعا کرد که لزوم رعایت حقوق بشر از سوی دولت‌ها به عنوان یک اصل در حقوق بین‌الملل، در این زمینه خودنمایی می‌کند.

در سال‌های اخیر، با توجه به محتوای موافقتنامه‌های تجاری این مسئله آشکار می‌شود که در اغلب این موافقتنامه‌ها قیودی برای تحقق این امر در نظر گرفته شده است که قید رعایت موازین حقوق بشری، یکی از بارزترین خواسته‌ها و شرایطی است که کشورهای طرف قرارداد بطور روزافزونی تمایل به اعمال آن دارند و

همچنین رو به افزایش است. قابل توجه است که کشورهای اروپایی از جمله اتحادیه اروپا نیز تمایل در گنجاندن شرط رعایت حقوق بشر در موافقتنامه‌های تجاری خود دارند (مؤسسه مطالعات بازرگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰). درج شروط حمایت از حقوق بشر در موافقتنامه‌ها و بررسی نسبت میان حقوق بشر و تجارت از طریق بررسی نقش و جایگاه این شروط، موضوعی است که با توجه به مسئله عدم پابندی دولت‌ها به رعایت موازین حقوق بشر، اهمیت بیشتری می‌یابد.

مکانیزمی که برای تحقق اهداف این طیف از موافقتنامه‌ها طراحی شده است، تحت عنوان حقوق بشر مشروط لحاظ شده و برقراری و تداوم روابط تجاری و اقتصادی، مشروط به رعایت موازین حقوق بشر است. این امر بدین مفهوم است که اجرای موافقتنامه (شروط حمایت از حقوق بشر) را به حالت تعلیق درخواهد آورد و تدابیر محدودکننده در قبال کشور نقض کننده به اجرا درخواهد آمد. نکته دیگر اینکه شرط رعایت حقوق بشر معمولاً در موافقتنامه‌های تجاری درج می‌شود که غالباً امتیازات و ترجیحات تجاری در آنها لحاظ شده است.

۱. اتحادیه اروپا، حقوق بشر و تجارت

اروپا دارای یکی از منسجم‌ترین ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر در سراسر جهان است. سه دهه بعد از معاهده رم، اتحادیه اروپا در زمینه گنجاندن حقوق بشر در سیاست خارجی خود، اقدامی مهم انجام داد و این موضوع با امضای معاهده اتحادیه اروپا در نوامبر ۱۹۹۳ وارد مرحله اجرایی شد. معاهده مذکور توسعه و تحکیم مردم‌سالاری، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را هدف اصلی سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا قرارداد. به نظر می‌رسد حقوق بشر در هر دو سیاست خارجی و داخلی اتحادیه اروپا نقش مهمی را ایفا می‌نماید.

در اسناد و منابع قانونی پایه تشکیل اتحادیه اروپا، پابندی به معیارهای حقوق بشر از جمله مبانی وجودی این شکل‌گیری عنوان شده است. وجود یک نظم حقوقی در اتحادیه اروپا شرط لازم برای ادامه حیات این اتحادیه است. این منابع قانونی شامل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا، منشور اجتماعی اروپا، کنوانسیون چهارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی و

کنوانسیون اروپایی منع شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های غیرانسانی یا تحقیرآمیز است. علاوه بر این اسناد، اتحادیه اروپا با استفاده از نهادهایی نظیر شورای اروپا، کمیسیون اروپا، پارلمان اروپا، دادگاه اروپایی حقوق بشر و سازمان امنیت و همکاری اروپا، نظام ویژه‌ای را در جهت ارتقاء حقوق بشر در میان اعضای اتحادیه اروپا و در راستای تاکید حقوق بشری در تعاملات دو یا چندجانبه پدید آورده است (Alston, 2013: 156).

مسئله قابل تأملی که در اسناد حقوق بشری اروپایی به چشم می‌خورد، نوع دیدگاه اتحادیه اروپا به موضوع حقوق بشر است. اسناد حقوق بشر اروپایی در راستای استانداردهای خود گام برمی‌دارد که در واقع، به دنبال اشاعه این استانداردها به خارج از منطقه اروپا است. این اتحادیه تمایل به حمایت از حقوق مدنی و سیاسی دارد. در همین راستا، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، از حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی حمایت می‌کند و این حقوق را نشانه دموکراسی می‌داند (Kolband, 2010: 6).

لازم به ذکر است که اتحادیه اروپا اهمیت فراوانی نسبت به شروط حقوق بشر در سیاست حقوق بشری خود قائل است. این امر در گزارش‌های پارلمانی اتحادیه مشهود است. با این وجود، پارلمان با توجه به قطعنامه‌های خود در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، نتوانسته است مکانیسم مؤثری جهت اجرای سیاست‌های حقوق بشری اعمال نماید. پارلمان اروپا، همچنین ضرورت اجرای شروط حقوق بشر بین طرفین موافقتنامه را براساس یک روش شفاف و مبتنی بر همفکری و رایزنی، تصریح نموده است (European Union Annual Report on Human Rights, 2008: 7).

در معاهده‌های تاسیس جامعه اروپا، تشکیل نشست‌های روسای دولت‌ها پیش‌بینی نشده بود، اما در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، چند نشست از این نوع برگزار شد. در سال ۱۹۷۴، در جریان اجلاس پاریس، مقرر شد که جلسات، حالت نهادین به خود گرفته و نهادی به نام شورای اروپا تشکیل شود. از زمان معاهده ماستریخت، نقش هدایت اصولی و جهت‌گیری کلی سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا برعهده شورای اروپا گذاشته شده است. به‌علاوه، شورای اروپا همواره بیانیه‌های مختلفی در مورد موضوع‌های بین‌المللی مهم از جمله مباحث حقوق

بشری و تروریسم را صادر کرده است. شورای اروپا اولین سازمان سیاسی میان دولت‌های اروپایی است که با هدف مساعدت برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورهای عضو و به منظور حفظ و همچنین ترویج ایده‌ها و اصول مرتبط با میراث مشترک آنها، تاسیس شده است. افزون بر آن، تعیین خط‌مشی و سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری درباره ابتکارهای عمده اروپایی برعهده شورای اروپا و وظیفه اجرای این سیاست و تصمیم‌ها برعهده ارگان‌های مدیریتی و اجرایی (کمیسیون اروپا و شورای وزیران) قرار گرفته است. شورای اروپا برای ایجاد اتحاد و همبستگی بیشتر آزادی را تضمین می‌کند، در نتیجه احترام به حقوق بشر، شرط عضویت در شورا شد و بدینوسیله سیستمی در جهت کسب ضمانت‌های جمعی حقوق بشر در اروپا سازمان‌دهی گردید. شورای اروپا همچنین به منظور نهادینه کردن دموکراسی و حمایت کامل از حقوق بشر، همکاری نزدیکی با اتحادیه اروپا، اتحادیه اروپایی غربی، سازمان امنیت و همکاری اروپا، سازمان ملل و آژانس‌های تخصصی آن و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و منطقه‌ای فعال در زمینه حقوق بشر، برقرار کرده است (نیوجنت، ۱۳۹۳: ۴۰۵).

شورای اتحادیه اروپا تعهدات خود را در ارتباط با اصول انسجام و انطباق، ادغام حقوق بشر در تمام اقدامات، شفافیت در خط‌مشی‌های خود و شناسایی مناطق در اولویت تصدیق می‌نماید. به‌عنوان بخشی از روند اجرایی آن پیامدهای شورا، «گروه کاری درباره حقوق بشر»^۱ متعهد شد که دستورالعمل‌هایی در ارتباط با تبادل نظر در مورد حقوق بشر را در مشاوره با گروه‌های کار جغرافیایی، «گروه‌هایی در امر توسعه همکاری»^۲ و کمیسیون معیارها برای توسعه و انسجام دموکراسی و حکومت قانون و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اصلی، بنیان‌گذاری نماید.

تبادل نظرها با بحث‌هایی با ماهیت کلی، براساس منطقه‌ای یا دوجانبه، موافقتنامه‌ها، گردهمایی‌ها یا مشارکت‌های استراتژیک که به صورت منظم با موضوع حقوق بشر سروکار دارند، شکل گرفت. این تبادل نظرها به‌ویژه شامل موارد زیر

1. Working party on human rights
2. Corrrppondnnee Euro pee nne

است: روابط با کشورهای داوطلب؛ موافقتنامه کوتونو^۱ با کشورهای حوزه آفریقا، کارائیب و پاسفیک^(۱)؛ روابط بین اتحادیه اروپا و کشورهای امریکای لاتین؛ فرایند بارسون (کشور مدیترانه) خط محلی (به‌ویژه کشورهای ناحیه قفقاز)؛ تبادل نظر سیاسی با کشور آسیایی در محتوای آ.سه.آن^۲؛ روابط کشورهای غرب بالکان؛ و روابط دوجانبه در چهارچوب موافقتنامه‌های مشارکت و همکاری (Hafner, Burton, 2005: 595).

بخش مهمی از موافقتنامه‌های تجاری اتحادیه اروپا جهت تنظیم روابط تجاری این اتحادیه با ۷۷ کشور حوزه آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام (پاسیفیک) منعقد شده است. این موافقتنامه چهارچوب جدیدی را برای همکاری در زمینه تجارت و توسعه مقرر می‌داشت و این بار احترام به حقوق بشر، اصول دموکراتیک و حاکمیت قانون عناصر ضروری اجرای موافقتنامه به شمار می‌رفتند. لذا امکان این امر پیش‌بینی شده بود که نقض کنندگان تعهدات (طرفین موافقتنامه) جریمه شوند و یا بطور کلی، از موافقتنامه کنار گذاشته شوند که نمایانگر یک تحول سریع و مهم در سیاست کشورهای غربی در زمینه موافقتنامه‌های تجاری منعقد شده توسط آنهاست (EPA, 2007: 6).

آخرین متن بازبینی شده موافقتنامه لومه، یعنی موافقتنامه لومه ۴ توسط موافقتنامه کوتونو در مورخ ۲۹ فوریه سال ۲۰۰۰ جایگزین شد. هدف اصلی آن افزایش کمیت و کیفیت روابط کشورهای حوزه آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام و اتحادیه اروپا است. تصویب اهداف راهبردی از جمله در زمینه مبارزه با تروریسم و گسترش و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و حمایت مؤثر از اقدامات و فعالیت‌های مراجع کیفری بین‌المللی بود (EPA, 2007: 6). همان‌گونه که عنوان شد، در رابطه با لزوم رعایت موازین حقوق بشر نیز مقررات قابل توجهی مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.

در بیان اهمیت روابط تجاری اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام باید توجه داشت که اتحادیه اروپا بخش عظیمی از کمک‌های

1. Cotonou
2. Association of Southeast Asian Nations



اقتصادی و تجاری خود را با کشورهای استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی سابق در اروپای شرقی و مرکزی اختصاص داده است. اما بیشترین حجم کمک‌ها و مبادلات تجاری اروپا و حتی بیشتر از حجم کمک‌های ارائه شده به کشورهای آسیایی و امریکای لاتین و مدیترانه، به کشورهای حوزه آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام اختصاص یافته است. موافقتنامه‌های لومه و موافقتنامه کوتونو، سطح همکاری اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام را حتی به عوامل غیردولتی نیز تسری داده است. به عبارت دیگر، کشورهای در حال توسعه نه تنها در برنامه‌های توسعه خود، بلکه در روند مشارکت سیاسی نیز این عوامل را می‌بایست در نظر داشته باشند (Carbon, 2005: 117).

به عقیده یکی از نویسندگان، از سال ۱۹۹۵ به بعد، شروط حقوق بشر برای تمامی معاهدات اتحادیه اروپا با کشورهای ثالث به یک استاندارد لازم‌الرعایه تبدیل شده است. البته اتحادیه اروپا جهت وارد نمودن موازین حقوق بشری در تجارت بین‌المللی، درخواست پیش‌بینی مقررات ناظر بر همکاری صنعتی و فنی را داشته است. این همکاری‌ها به منظور ایجاد امکان بهره‌وری از امکانات این اتحادیه در روند صنعتی‌سازی کشورهای در حال توسعه است. هدف اتحادیه اروپا در سیاست‌های خود در زمینه حقوق بشر، تبدیل موضوع حمایت از حقوق بشر و دموکراسی به یک موضوع محوری، از طریق جریان‌سازی^۱ این اهداف در متن موافقتنامه‌های تنظیمی با سایر کشورها است (Farrel, 2005: 275). کمیسیون اروپا در بیانیه مورخ ماه می ۲۰۰۱ خود در ارتباط با نقش اتحادیه اروپا و ارتقای حقوق بشر و دموکراسی در کشورهای ثالث، برای نخستین بار بر این جریان‌سازی تأکید نمود. متعاقب آن نیز، در اسناد مهم کمیسیون از جمله در متن گزارش راهبرد ملی کمیسیون^۲ ابراز شد (The European Union, 2007: 15).

در نهایت باید اذعان داشت که موافقتنامه‌های لومه و کوتونو موافقتنامه شراکت و همکاری محسوب می‌شوند. در این موافقتنامه‌ها، بخش همکاری‌های صنعتی، بهداشتی، آموزشی، محیط زیست، تروریسم و... در آن مواردی پیش‌بینی شده است.

1. Mainstreaming

2. Commssoon s Counrry aaaagggg Prr rrs (Csp s)

اما در بخش صادرات کالاها از کشورهای حوزه افریقا، کارائیب و اقیانوس آرام، ترجیحات تجاری یک‌جانبه‌ای را به نفع این کشورها برقرار نموده است. ماده ۱۸۶ موافقتنامه لومه ۴ مقرر می‌دارد: محصولات و کالاهای تولید شده در کشورهای حوزه افریقا، کارائیب و اقیانوس آرام بدون منظور نمودن تعرفه به بازار جامعه اروپا وارد خواهد شد. همچنین ماده ۳۷ این موافقتنامه مقرر داشته است، ترجیحات متقابل تجاری که به موجب موافقتنامه لومه مقرر شده است، بین طرفین تداوم می‌یابد.

۲. سیستم‌های نظارتی

اگرچه در متن موافقتنامه‌هایی که شروط حقوق بشر در آنها مندرج است از عنوان کلی «اتخاذ اقدامات تجاری مناسب، در شرایط نقض حقوق بشر» استفاده می‌شود، اما با این وجود، اقدامات مناسب لزوماً به معنای لغو یا تعلیق کامل موافقتنامه نیست؛ بلکه می‌توان به معنای اتخاذ و اعمال تدابیری، مانند ایجاد تغییر در برنامه همکاری، مسدود نمودن مسیرهای مشخص شروط جهت رساندن کمک‌های اقتصادی و اعطای امتیازات تجاری، کاهش همکاری‌های فرهنگی، علمی و فنی، به تعویق انداختن یا معلق نمودن ارتباطات دوجانبه، شروع پرونده جدید و یا برقراری تحریم‌های تجاری محدود باشد (International Affairs and Defenses, 2011).

بند ۹ و ۱۰ ماده ۱۳ موافقتنامه تجارت آزاد اتحادیه اروپا و کره جنوبی به منظور نظارت بر تعهدات طرفین، در رابطه با حمایت از استانداردهای حقوق کار و محیط زیست است. براساس بندهای مذکور، طرفین ملزم به طراحی و اعمال سازوکارها و ابزار لازم در شکلی کاملاً مشخص و شفاف به منظور نظارت بر اجرای تعهدات خود در این زمینه شده‌اند (Eu-South. Korea Free Agreement, 2008: 1044, 1045).

یکی از سازوکارهای نظارتی در موافقتنامه‌های تجاری با شرط حمایت از حقوق بشر، گفت‌وگو و رایزنی و تبادل اطلاعات میان طرفین است. این شیوه یکی از راه‌های کسب اطلاع، از نحوه و میزان رعایت موازین حقوق بشر و یا نقض شروط حقوق بشر مندرج در موافقتنامه فی‌مابین است که تا قبل از تعلیق یا قطع اجرای موافقتنامه به اجرا درمی‌آید. بنابراین نقض حقوق بشر، بلافاصله منجر به

قطع روابط تجاری نمی‌شود و قبل از آن می‌بایست مسیر گفت‌وگوهای سیاسی طی شود (European Commission, 2001: 3). آژانس «حقوق بنیادین اتحادیه اروپا»^۱ یک نهاد مستقل از اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. این آژانس، به منظور فراهم آوردن خدمات مشاوره‌ای و تخصصی، برای اتحادیه اروپا و کشورهای عضو این اتحادیه در اجرای حقوق مشترک اروپایی، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تأسیس شده است. این آژانس گزارش‌ها و اطلاعات تحلیلی را در ارتباط با موضوعات مرتبط با رعایت حقوق بنیادین بشر که در راستای شروط حقوق بشر است، می‌بایست توسط کشورهای طرف موافقتنامه اجرا شوند، به درخواست کمیسیون اروپا ارائه می‌نمایند. در نهایت باید اذعان داشت که نظارت بر اجرا و رعایت شروط حقوق بشر در موافقتنامه‌های تجاری در منطقه اتحادیه اروپا از سازوکار نسبتاً مشخصی برخوردار است؛ چراکه وضعیت حقوق بشر در کشورهای ثالث طرف این موافقتنامه، توسط رؤسای هیئت‌های مأموریت و دیپلماتیک اعضای اتحادیه اروپا مورد نظارت قرار می‌گیرد که گزارش‌های منظمی را در این رابطه به ریاست اتحادیه اروپا ارائه می‌نمایند. همچنین پارلمان اروپا به این موضوع نیز توجه نموده است که چگونه شروط حقوق بشر، با توجه به اهداف موردنظر آنها در موافقتنامه اعمال می‌شوند. یکی از اعضا به نام الیوداپیس در ژانویه سال ۲۰۰۴، در رابطه با نقض حقوق بشر توسط دولت تونس، که فعالان حقوق بشر را مورد تعقیب قرار داد و محدودیت‌هایی را علیه آنها اعمال نمود، هشدار داده و پیشنهاد نموده است که اکنون زمان اعمال برخی محدودیت‌ها براساس شروط حقوق بشر فرارسیده است (عزیزیان، ۱۳۹۰: ۴۱).

با توجه به مباحث یادشده چنین استنباط می‌شود که طرفین موافقتنامه‌های مذکور، شرط رعایت موازین حقوق بشر را که غالباً به صورت یک شرط اصلی در موافقتنامه می‌آید، به اشکال و ادبیات متنوعی مطرح می‌کنند. این امر باعث ایجاد تفاسیر متفاوتی از شرط موردنظر می‌شود. همچنین با مطالعه نوع حقوق بشر مورد حمایت مشخص می‌شود که طرفین موافقتنامه براساس شرایط و نیازهای خود، به

1. European Union Fundamental Rights Agency (FRA)

حمایت از موازین حقوق بشر مطروحه در نسل‌های حقوق بشری می‌پردازند. با بررسی سیستم نظارتی، می‌توان دریافت که ضمانت اجرایی به صورت مطلق وجود ندارد، هرچند که در صورت عدم رعایت موازین حقوق بشر، تبادل نظر و گفت‌وگوهایی صورت می‌گیرد و در بعضی مواقع منجر به تعلیق موافقتنامه می‌شود، اما این روند همواره ادامه نیافته است.

۳. موافقتنامه‌های تجاری

در صحنه روابط بین‌الملل می‌توان اذعان داشت که نحوه عملکرد دولت‌ها تأثیر بسزایی بر روند حقوق بشر دارند، در عین حال حقوق بشر به دلیل اینکه دارای یک نظام حقوقی دائماً در حال تغییر و تحول است، بطور مستمر متأثر از رفتار دولت‌ها نیست. در عمل مشاهده می‌شود که دولت‌های بسیاری علی‌رغم عدم تمایل خود به پیوستن به یک کنوانسیون و یا موافقتنامه بین‌المللی، به منظور حفظ وجه خود به آن ملحق می‌شوند. بنابراین حقوق بشر در نوع خود بر رفتار و عملکرد دولت‌ها تأثیرگذار است.

مشکلی که همواره در ارتباط با حقوق بشر بین‌الملل وجود داشته است، نقص و ضعف ضمانت اجرای این حقوق، اعم از مشوق‌ها یا تنبیهات و همچنین فقدان یک سازوکار متمرکز و منظم جهت تضمین رعایت موازین آن است. برخلاف قواعد و موازین مندرج در سایر موافقتنامه‌ها و اسناد بین‌المللی که حاکم بر روابط و مسائل تجاری، پولی، مالی، امنیتی و یا حتی سیاست‌های بین‌المللی هستند، عدم رعایت قواعد حاکم بر حقوق بشر بین‌الملل، واکنش سایر دولت‌ها، به شکل فعال و مؤثر را در پی ندارد. همچنین موضوع ضعف و یا فقدان ضمانت اجرا، هم در رابطه با رفتار خود دولت و هم در ارتباط با عکس‌العمل سایر دولت‌ها قابل توجه است.

معاهدات حقوق بشری عمدتاً دربردارنده قواعد الزام‌آور برای کشورهای امضاکننده آن نیست و بیشتر از طریق ترغیب و تشویق درصدد تأثیرگذاری بر رفتار دولت‌ها هستند؛ درحالی که ترغیب عوامل ناقض حقوق بشر، برای ایجاد تغییر در رفتارهایشان نیازمند استدلال قانع‌کننده می‌باشد و این موضوعی است که معاهدات

حقوق بشری فاقد آن هستند. نکته دوم آن است که موافقتنامه تجاری و یا معاهدات تجاری واجد شرایط حقوق بشر، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که زمینه را برای اتخاذ اقدامات داوطلبانه فراهم می‌آورند. این امر به جهت رعایت موازین حقوق بشر به منظور فراهم بودن امکان دسترسی به بازارها در سطح فراملی و منطقه‌ای صورت می‌پذیرد (Trubek, 2012: 2).

مسئله‌ای که در جهت ارزیابی تأثیر اجرای موافقتنامه‌های تجاری، با شرط حمایت از حقوق بشر قابل طرح است، به کارگیری و اعمال مجازات‌های تجاری، به منظور ارتقاء وضعیت حقوق بشر است. از منظر اخلاقی، اقدامات تجاری مثلاً اعلام ممنوعیت ورود کالاهایی که از طریق کار کودکان تولید شده‌اند، به نظر قابل توجیه می‌رسد. این در حالی است که از دیدگاه اقتصادی آثار چنین مجازات‌های تجاری اغلب موجب آزار و اذیت مردم کشور مقصد می‌شود و تأثیرات منفی که اینگونه مجازات‌های تجاری اغلب برجای می‌گذارد، بسیار بیشتر از اثری است که بر ارتقاء وضعیت حقوق بشر بوجود می‌آید. باید خاطرنشان کرد که این باعث ایجاد اختلافات عمیقی میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته شده است.

از طرف دیگر، میزان تأثیرگذاری حقوق بشر در موافقتنامه‌ها بستگی زیادی به ظرفیت تجاری و منابع اقتصادی طرفین موافقتنامه دارد. به همین دلیل مهم‌ترین عاملی که باعث می‌شود کشورهای در حال توسعه به امضای چنین موافقتنامه‌هایی با پیشنهاددهندگان آن مانند اتحادیه اروپا تن دردهند، حجم قابل توجه مبادلات تجاری، جمعیت و بازارهای این اتحادیه است که عامل مشوق مؤثری در این زمینه محسوب می‌شود. اگرچه برخی دولت‌ها نیز ترجیح می‌دهند از این گونه امتیازات صرفه‌نظر نموده وارد چنین موافقتنامه‌هایی نشوند. شواهد فراوانی وجود دارد که بیانگر این موضوع است که موافقتنامه‌های تجاری، تأثیراتی را بر رفتار اعضای خود به‌ویژه دولت‌های ناقض حقوق بشر برجای گذارده‌اند. این تأثیرگذاری، عمدتاً از طریق به کارگیری و یا تهدید به استفاده از اجبار بوده است. به این مفهوم که دولت‌ها متعهد برای از دست ندادن امتیازات اعطایی که براساس یک موافقتنامه تجاری کسب کرده است، مجبور به رعایت شروط ناظر بر لزوم رعایت موازین حقوق بشر مندرج در موافقتنامه شده است (Fierro, 2003: 102). آنچه می‌توان آن را

رفتار جدید این دولت نامید، انطباق بیشتری با معیارها و موازین حقوق بشر است. اما انتقاد وارد بر این نگرش آن است که آیا می‌توان آن طرف از موافقتنامه را که از قدرت تجاری و اقتصادی برتری برخوردار است و اقدام به اجرای ضمانت اجرای نقض شروط حقوق بشر می‌نماید را محق در سوءاستفاده از نیاز اقتصادی و تجاری طرف دیگر موافقتنامه دانست؟ به نظر می‌رسد، نتایج حاصل از چنین اقدامات تهدیدآمیزی که به منظور اعمال فشار بر کشورهای در حال توسعه است، فاصله زیادی با مفهوم حمایت از حقوق بشر دارد و بعضاً به کلی با این مفهوم بیگانه است (Trubek, 2012, op.cit: 17).

مزایای تجاری به کشورها برای ارتقاء حقوق بشر بطور کلی و یا برای برنامه‌ریزی جهت‌دار برای اعمال جنبه‌های خاصی از حقوق بشر پیشنهاد و ارائه می‌شود. از این طریق بهبود وضعیت حقوق بشر از طریق اقدامات قهری صورت نمی‌پذیرد بلکه از طریق داوطلبانه، که با ارائه مزایای تجاری پاداش داده می‌شود، این مهم میسر می‌شود (Ibid, Farrel, 2005: 275).

لازم به ذکر است دو عامل را می‌توان در فراهم نمودن امکان اعمال شروط حقوق بشر در موافقتنامه‌های تجاری و میزان تأثیرگذاری مطلوب آنها مؤثر دانست. نخست اقدامات و فعالیتهای نهادهای حقوق بشری و جامعه مدنی و دیگری انجام اقدامات مؤثر در سطح قانونگذاری داخلی است. در این ارتباط می‌توان به فشار پارلمان‌های کشورهای عضو این اتحادیه اشاره نمود. در این راستا، پارلمان‌ها رعایت موازین و شروط حقوق بشر در زمینه تجارت با سایر کشورها را مورد تأکید و توجه خود قرار داده و تضمین نمودند (Krasmann, 2010: 3).

اتحادیه اروپا مدعی است که به کارگیری شروط حقوق بشر در موافقتنامه‌های تجاری، در جهت حمایت از مفهوم حقوق بشر حائز اهمیت است؛ به‌ویژه به دلیل اینکه این حقوق غیرقابل تفکیک و جهانی است. بطور کلی می‌توان چنین برداشت نمود که در عمل، بر ضرورت توجه به موازین حقوق بشر و یا حداقل عطف توجه کافی نسبت به آن دسته از موازین حقوق بشر که ارتباط زیادی با تجارت و اقتصاد بین‌الملل دارند، مانند ضوابط و استانداردهای حقوق کار، توجه بایسته‌ای صورت نگرفته است. دلیل عدم تمایل دولت‌ها به اقدام مؤثر در این ارتباط را نیز می‌توان

اعتقاد به دست و پاگیر بودن این ضوابط، با استانداردهای ویژه در عرصه رقابت‌های تجاری با سایر کشورها دانست (Ibid, Krasmann, 2010: 4). برای بررسی بیشتر و عینی‌تر آثار شروط حقوق بشر در عمل، مواردی از میزان تأثیرگذاری شروط حقوق بشر در وضعیت حقوق بشر و رعایت موازین آن در چند کشور طرف موافقتنامه تجاری اتحادیه اروپا مطرح می‌شود.

روابط اتحادیه اروپا با کشورهای که روابط تجاری با آنها متضمن موافقتنامه‌های تجاری واجد شرط حقوق بشر نیست نیز خالی از ملاحظات حقوق بشری نبوده است. به عنوان مثال در ارتباط با روابط اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران، در گزارش حقوق بشر سال ۲۰۰۸ اتحادیه اروپا چنین عنوان شده است که موضوع حقوق بشر به عنوان یک عنصر ضروری در روابط این اتحادیه با جمهوری اسلامی ایران و در همه سطوح مورد نظر و توجه است. اگرچه جمهوری اسلامی ایران دور پنجم گفت‌وگو در ارتباط با موضوعات حقوق بشر با اتحادیه اروپا را که از سال ۲۰۰۲ آغاز شده بود، در دسامبر سال ۲۰۰۶ به حال تعلیق درآورد، اما اتحادیه اروپا همچنان به روند این گفت‌وگوها امیدوار است (European Union Annual Report on Human Rights, op.cit, 2008: 12). هرچند که مقامات ایران نیز بارها نقض حقوق بشر مورد ادعای اروپا در ایران را تکذیب کردند.

با تأملی بر روابط تجاری ایران و اتحادیه اروپا می‌توان دریافت که اقدامات اتحادیه اروپا به عنوان نخستین شریک تجاری ایران، می‌تواند بر شرایط اقتصادی و تجاری ایران اثرگذار باشد. ایران به میزان زیادی در حوزه ماشین‌آلات و تجهیزات با این بلوک تجاری همکاری دارد. بسیاری از این ماشین‌آلات در حوزه نفت و گاز که نقش اساسی در اقتصاد کشور دارند، به کار گرفته می‌شوند. این واقعیت کشور را در مقابل اعمال تحریم‌ها از سوی اتحادیه اروپا با مشکلاتی مواجه می‌کند. اما در مقابل، ایران به عنوان بیست و پنجمین شریک تجاری اتحادیه اروپا، ۹ درصد از کل تجارت اروپا را شکل می‌دهد و این اتحادیه چندان وابستگی متقابلی به ایران ندارد. هرچند در حوزه سوخت فسیلی، ایران یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان انرژی این اتحادیه بوده است؛ اما شرایط به گونه‌ای نبوده که انگیزه اعمال تحریم‌ها را کاهش دهد و اتحادیه حتی در پی اجرای سیاست تنوع‌سازی در مبادی ورودی

انرژی و کاهش وابستگی به روسیه، گزینه‌هایی به غیر از ایران را مورد توجه قرار می‌دهد.

مسئله نقض گسترده حقوق بشر و کشتار پناهندگان در رواندا^(۴) را می‌توان به‌عنوان نمونه‌ای در خصوص میزان تأثیرگذاری روابط تجاری با شرط رعایت موازین حقوق بشری مدنظر قرارداد و همچنین استانداردهای دوگانه از طرف اروپای مدعی حمایت از حقوق بشر را به چالش کشید. رواندا یکی از کشورهای عضو موافقتنامه لومه ۴ بود که در جامعه اروپا انعقاد یافته بود. در این موافقتنامه شرط دسترسی آزاد به بازارهای اروپایی، در قبال تعهد کشورهای دریافت کننده امتیازات تجاری و ترجیحات تعرفه‌ای، التزام به رعایت شروط حقوق بشر است. به دلیل نسل‌کشی در رواندا در سال ۱۹۹۴، جامعه اروپا موافقتنامه لومه و مزایای ناشی از آن را در قبال این کشور به حالت تعلیق درآورد.

نکته جالب توجه آن است که این اقدام جامعه اروپا در مورد دولت فرانسه به چالش کشیده شد؛ چراکه فرانسه در طی اقدامی یک‌جانبه، تحریم‌های مالی اتخاذشده در سطح جامعه اروپا را با اقدام کمک‌رسانی به دولت رواندا دور زد. به همین ترتیب، دولت بلژیک نیز اگرچه اعلام نموده بود که سیاست او کمک‌ها و توجه ویژه به کشورهای افریقایی منوط به برآورده شدن اهداف حقوق بشری است، اما عملاً در مورد مسئله رواندا برخلاف مواضع رسمی خود عمل نمود. این اقدام فرانسه و بلژیک مانع از آن شد که بطور شایسته چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح منطقه اروپا، پاسخ قاطع مناسبی به عدم تعهد دولت در قبال مسئله رواندا داده شود.

به موجب موافقتنامه لومه، کمک‌های مالی قابل توجهی به منظور بازسازی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای مشروط به موازین حقوق بشر در ارتباط با کشورهای افریقایی و به‌ویژه رواندا که متحمل آسیب‌های فراوانی ناشی از درگیری‌های داخلی بود، اختصاص یافت. اما دولت جدیدی که در رواندا بر سر کار آمد نیز چندان ملتزم به رعایت حقوق بشر باقی نماند. قبل از این که نخستین کمک‌های اختصاص یافته به آن کشور منتقل شود، ارتش رواندا پس از تخلیه یک کمپ مهاجران، مرتکب موارد متعددی از نقض موازین حقوق بشر شد. بدین جهت

و در واکنش نسبت به این اقدام، کمیسیون اروپا اعطای کمک‌ها را به حال تعلیق درآورد. همچنین وزرای خارجه اروپایی از دولت رواندا درخواست نمودند نسبت به انجام تحقیقات گسترده به منظور شناسایی عوامل و مرتکبان قتل عام‌های صورت گرفته و دستگیری آنها به‌عنوان پیش‌شرط اعطای کمک‌ها اقدام نماید. اما این درخواست با مقاومت دولت، در رابطه با تحت فشار قراردادن اعضای ارتش و فرماندهان آن که احیاناً در ارتکاب جنایات نقش داشته مواجه شد تا اینکه در سال ۱۹۹۵، دولت تحت فشارهای وارده با انجام بازجویی و تحقیقات از عوامل و مسببان جنایت موافقت نمود و کمیسیون اروپا نیز با از سرگیری جریان اعطای کمک‌ها به‌صورت مشروط موافقت نمود.

فیجی با نام رسمی جمهوری جزایر فیجی یک کشور جزیره‌ای در منطقه ملانزی در اقیانوس آرام جنوبی است.^(۳) همکاری‌های اقتصادی اروپا با این کشور به علت سرنگونی دولت قانونی و برآمده از انتخابات مردمی با توسل به نقض قانون اساسی، به حالت تعلیق درآمد. در این رابطه می‌توان به اقدام کمیسیون اروپا اشاره کرد که در لغو اعطای کمکی به ارزش ۳۱ میلیون دلار به فیجی، نشانه‌ای از ناشکیبایی روزافزون بین‌المللی در برخورداری دولت نظامی این کشور از برگزاری انتخابات است.

پرداخت‌های سالانه اتحادیه اروپا به فیجی از زمان به قدرت رسیدن "وگه باینماراما" رهبر نظامی این کشور در یک کودتای آرام در سال ۲۰۰۶، و مقاومت در برابر فشار برای احیای دموکراسی در این کشور، به حالت تعلیق درآمد. لذا متعاقب تهدید به اجرای برنامه مالی و سرمایه‌گذاری در طرح‌های توسعه‌ای و زیربنایی از محل صندوق توسعه اروپا را به تعویق انداخت. این تعویق تا زمانی برقرار شده که درخصوص انجام اصلاحات مقتضی در ساختار سیاسی فیجی به منظور تضمین سازوکار دموکراسی در برگزاری انتخابات آزاد و عدم ملاحظه نظامیان و همچنین احترام به موازین حقوق بشر و حقوق مدنی و سیاسی در آن کشور اطمینان خاطر حاصل شود.

در راهبرد سال ۲۰۰۷ اتحادیه اروپا با آسیای مرکزی، به صراحت بیان شده است که یکی از اولویت‌های کلیدی اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی ترویج

دموکراسی، حاکمیت قانون، استقرار حکومت شایسته و رعایت حقوق بشر است. از پنج سال پیش تاکنون، اتحادیه اروپا موفق شده است "مذاکرات دوجانبه حقوق بشر" و طرح منطقه‌ای "حاکمیت قانون" را در آسیای مرکزی به اجرا درآورد. از مواردی که موجب تعلیق در همکاری‌ها به دلیل عدم رعایت موازین حقوق بشر است، می‌توان از اقدام به تعلیق موافقتنامه‌های مشارکت و همکاری تجاری و اقتصادی اتحادیه اروپا علیه ازبکستان نام برد. این تعلیق متعاقب رویدادهای ناگوار ۱۳ ماه می ۲۰۰۵ در شهر اندیجان در جنوب ازبکستان به اجرا درآمد. از این رو اتحادیه اروپا ناچار از اتخاذ تدابیر تحریمی سختگیرانه‌ای همچون لغو صدور روادید برای آن دسته از سران و مقامات کشور ازبکستان که مستقیماً در استفاده از نیروی نظامی و زور در شهر اندیجان مداخله داشتند، شد (Schmitz, 2009: 74).

اتحادیه اروپا ترویج حقوق بشر به عنوان بخشی از روابط تعاملی با حکومت های آسیای مرکزی را در روابط تجاری خود با این کشورها عنوان می‌کند و روند مذاکرات حقوق بشر، با حضور پنج کشور منطقه آسیای مرکزی، از اجزای ضروری رویکرد اصلی این اتحادیه به حساب می‌آید. هرگونه فعالیتی در زمینه حقوق بشر در این کشورها، باید مورد تشویق و حمایت قرارگیرد. در عین حال نقض این حقوق، تحریم و عدم همکاری و مشارکت را به همراه دارد.

۴. عدم اجرای شروط

یکی از بارزترین آثار اجرای شروط حمایت از حقوق بشر، امکان تعلیق موافقتنامه به استناد نقض این شروط است. لازم به ذکر است که این شروط حقوق بشری که اختیار و امکان تعلیق یک موافقتنامه تجاری را فراهم می‌نمایند، می‌بایست به صورت عنصر ضروری موافقتنامه مطرح و مورد پذیرش قرارگیرند که نقض آن به عنوان نقض اساسی شناخته می‌شود. در ابتدای به کارگیری شروط حقوق بشر در موافقتنامه‌های جامعه اروپا، این شروط بدون تعریف و به صورت عنصر ضروری موافقتنامه مطرح می‌شدند؛ زیرا به لحاظ حقوقی، با شرایط موردنظر در ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹، مطابقت نداشتند. اما از آن تاریخ به بعد، این موضوع ملحوظ نظر قرارگرفت. اما تحول عمده در خصوص قالب مورد

استفاده جهت منظور نمودن شروط حقوق بشر در موافقتنامه‌های منعقدہ رخ داده است؛ بدین ترتیب که علاوه بر شروط حقوق بشر به یک شرط مکمل نیز برای تکمیل کلیات این شروط حقوق بشری و مشخص نمودن نحوه اثبات نقض این شروط به عنوان عنصر اساسی موافقتنامه و نحوه اعمال ضمانت اجراهای مربوطه در یک موافقتنامه جداگانه تنظیم می‌شد. این شرط مکمل با توجه به کشورهای که در رابطه آنها به کار گرفته شده است، تحت عنوان "شرط بالتیک" و "شرط بلغاری" موسوم شده است.

شرط بالتیک که یک شرط صریح است، برای نخستین بار در موافقتنامه‌های جامعه اروپا با کشور استونی و سپس با کشور آلبانی که از کشورهای حوزه بالتیک^(۴) هستند، از سال ۱۹۹۲ به کار گرفته شد. به موجب این شرط، امکان تعلیق اجرای موافقتنامه به صورت کلی و یا جزئی در صورتی فراهم می‌شود که نقض اساسی موافقتنامه محقق شود. این امر بدین مفهوم است که شروط حقوق بشر مندرج در این نوع موافقتنامه‌ها منجر به تعلیق فوری آنها می‌شود. این شرط چنین مقرر می‌داشت که: «طرفین موافقتنامه، حق تعلیق تمامی یا بخشی از این موافقتنامه را با اثر فوری در شرایطی که نقض جدی عنصر اساسی موافقتنامه اتفاق افتد را برای خود محفوظ می‌دارند». اعمال شروط حقوق بشر در قالب آنچه که شرط بالتیک نامیده می‌شود، تا سال ۱۹۹۲، در موافقتنامه‌های تجاری معمول بود (VanGenugten, 2001: 115).

شرط دیگری موسوم به "شرط بلغاری" است و از اکتبر سال ۱۹۹۲، در موافقتنامه‌های همکاری، مشارکت تجاری و اقتصادی اروپا وارد شد. این شرط به عنوان یک شرط کلی و فاقد اثر فوری و جهت تعلیق اجرای موافقتنامه مدنظر بوده است؛ چراکه تا قبل از اتخاذ هرگونه اقدامی جهت تعلیق موافقتنامه می‌بایست رویه مبتنی بر مذاکره و رایزنی بین طرفین طی شده و تعلیق موافقتنامه تنها به عنوان آخرین تدبیر و راهکار مورد استناد قرار گرفت. این شرط مقرر می‌داشت: «چنانچه هریک از طرفین موافقتنامه به این نتیجه برسند که طرف دیگر از اجرای تعهدات خود به موجب این موافقتنامه تخلفی نموده است، می‌توانند اقدامات مناسب را جهت برخورد با این وضعیت به کار گیرند. قبل از اتخاذ این تدبیر، به جز در

مواردی اضطرابی، می‌بایست نسبت به برگزاری جلساتی جهت بررسی اطلاعات و مدارک مرتبط با نقض حقوق بشر اقدام شود».

مطابق نظر کمیسیون اروپایی، تفاوت موجود میان این دو شرط و یا به عبارتی این دو نوع فرمول، ناشی از میزان حساسیت و اهمیت موضوعی است که ناظر بر اجرا یا عدم اجرای آن است. شرط بالتیک در مرحله اجرا از شدت بیشتری برخوردار است؛ چراکه برخلاف شرط بلغاری، متضمن اجرای مذاکرات و رایزنی‌ها قبل از اقدام به تعلیق اجرای موافقتنامه نیست، در حالی که در مورد اخیر، هدف اصلی تداوم اجرای موافقتنامه تا حد امکان است. "شرط بلغاری" در موافقتنامه‌های منعقدۀ اتحادیه اروپا با روسیه، اوکراین، اسلواکی و چند کشور حوزه مدیترانه مانند اسرائیل درج شده است (Ibid, VanGenugten, 2001: 116). این شرط در موافقتنامه‌های منعقدۀ با رومانی، جمهوری چک و بلاروس نیز به کار گرفته شده است.

ایجاد و توسعه شروط حقوق بشری از اوایل ۱۹۸۰ آغاز شد که منجر به ایجاد یک شکل و قالب استاندارد و مدون برای این شروط تا سال ۱۹۹۵ شده است. در همین راستا، موافقتنامه‌های لومه و کوتونو بین اتحادیه اروپا و کشورهای (ACP) منعقد شد (European Commission, 2003: 1). آنچه که باعث جلب توجه صاحبان نظران شده و مورد تأکید قرار گرفته است، اصرار و فشار اتحادیه اروپا برای معرفی و به کارگیری اهداف سیاسی خود است. این عملکرد اتحادیه اروپا ذیل مفاهیم مندرج در موافقتنامه‌های "کمک و تجارت" و مشروط نمودن روابط و همکاری‌های سیاسی و تجاری بر پایه رعایت موازین حقوق بشر در ماده ۹۶ موافقتنامه کوتونو نمود پیدا می‌کند. این امر به نحو قابل توجهی از زمان نخستین بازننگری کنوانسیون لومه در ۱۹۸۵ افزایش یافته است (Burown, 2011: 66).

۵. دلایل موافقین و مخالفین درج شرط

در مورد دلایل مخالفت به این زمینه‌ها می‌توان پرداخت.

عاملی جهت مداخله در امور داخلی کشورها: شورای وزیران کشورهای حوزه افریقا، کارائیب و اقیانوس آرام در اجلاس بررسی مسائل مرتبط با موافقتنامه‌های تجاری و همکاری اقتصادی منعقدۀ با اتحادیه اروپا، نگرانی‌های خود

را در رابطه با پیش‌بینی مقرراتی در این موافقتنامه ابراز داشته است. براساس این موافقتنامه، اتحادیه اروپا می‌تواند تحریم‌های اقتصادی و تعلیق موافقتنامه را علیه هریک از کشورهای حوزه آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام که از دیدگاه اتحادیه اروپا مرتکب نقض حقوق بشر به‌عنوان عنصر اساسی این معاهده شده‌اند، اعمال نماید. شورای وزیران آن را نوعی مداخله در امور حاکمیتی به بهانه حمایت از موازین حقوق بشر تفسیر نموده‌اند (Nwobike, 2012: 1382). از دیدگاه برخی از مخالفان وارد نمودن شروط حقوق بشر در موافقتنامه‌های تجاری، ضامن تغییرات واقعی بهبود وضعیت حقوق بشر نخواهد بود؛ چرا که بسیاری از دولت‌ها چنین موافقتنامه‌هایی را در تضاد با اصول تجارت آزاد می‌دانند. از طرفی ایجاد ارتباط میان موازین حقوق بشر و تجارت و تلفیق آنها با یکدیگر از طریق موافقتنامه‌های تجاری با شروط حقوق بشر، هنوز به لحاظ بررسی و ارزیابی نتایج حاصله از آن نیز دچار مشکلات است (Aaronson, 2010: 134).

ابزاری جهت پیشبرد اهداف سیاسی و تطبیع سیاست مداران: همچنین
مخالفان بر این باورند که دولت‌ها از موافقتنامه‌های تجاری حاوی شروط حقوق بشری، برای جهانی‌سازی سیاست‌ها و رویه‌های خود سوء استفاده می‌نمایند. این روش و شکل نوینی از تحلیل روش‌ها و هنجارهای مورد قبول آنها به سایر جوامع، بالخصوص کشورهای جهان سوم و در حال توسعه است که اکثر این جوامع در گذشته، مورد استثمار کشورهای اروپایی بوده‌اند. در حالی که موافقتنامه‌های تجاری، اساساً به منظور حل مشکلات مربوط به عدم رعایت موازین حقوق بشر ایجاد و طراحی نشده‌اند بلکه هدف از ایجاد آنها رفع موانع همکاری‌ها و تسهیل ارتباطات تجاری است. لذا اعمال شروط حقوق بشر در موافقتنامه‌ها این سؤال را ایجاد می‌نماید که آیا هدف اصلی موافقتنامه حمایت از حقوق بشر است و یا اهداف توسعه‌ای و اقتصادی مدنظر طرفین بوده است. به‌عنوان مثال، موافقتنامه‌های یوانده، لومه و کوتونو بین اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام که به صورت یک‌جانبه بازار اروپا را بدون وضع تعرفه‌های گمرکی در اختیار کشورهای حوزه آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام قرار داده است، مفاد آن الزاماتی در رابطه با حقوق بشر بر این کشور تحمیل شده است. در واقع تلاش

کشورهای حوزه آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام جهت ایجاد توازن در تراز تجاری خود، در راستای اهداف موردنظر اتحادیه اروپا هدایت می‌شود (Hafner-Burton, 2009: 614).

ناعادلان بودن این نوع موافقتنامه: در این موافقتنامه‌ها شرایط کشورهای در حال توسعه مدنظر قرار نگرفته است. برای اینکه اعمال شروط حقوق بشر در این موافقتنامه‌ها نه تنها زمینه مداخله سیاسی کشورهای توسعه‌یافته که در اصل پیشگامان برقراری چنین موافقتنامه‌هایی هستند را فراهم می‌سازد، بلکه بر جنبه تحمیلی و غیرعادلان این موافقتنامه‌ها نیز می‌افزاید. جالب‌تر آنکه به نظر می‌رسد اتحادیه اروپا در مواقعی به گونه‌ای عمل کرده است که گویا کشورهای حوزه آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام را حتی به‌عنوان طرف مذاکره نیز قبول ندارد. به‌عنوان مثال، در اغلب موارد برنامه‌ریزی مذاکرات، زبان، دستورکار و برنامه جلسات را علی‌رغم اعتراضات کشورهای حوزه آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام، آنگونه که خود خواسته تعیین کرده است. نکته دیگر این است که ۹۴ درصد اعضای حوزه آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام، غالباً فرانسوی زبان هستند، اما اسناد و مذاکرات به زبان انگلیسی است.

به گواه دیپلمات‌های آفریقایی، به کرات پیش آمده است که نمایندگان اروپایی، هنگام اتخاذ تصمیمی، قبل از آنکه عضو حوزه آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام توانسته باشد ترجمه فرانسوی مطلوبی را که باید در موردش نظر بدهد بخواند، قاعده مدنظر خودشان را به آنها تحمیل کرده‌اند. بنابراین، جنبه تحمیلی موافقتنامه‌های لومه و کوتونو بر شروط حقوق بشر مندرج در آنها نه تنها برتری دارد، بلکه این شروط نیز صرفاً لفظی است. در واقع موافقتنامه‌هایی همچون موافقتنامه کوتونو که در ماده ۹۶ آن شروط حقوق بشر و دموکراسی به‌عنوان عنصر اساسی اجرای موافقتنامه تعریف شده است، در اصل موافقتنامه‌ای است که کشورهای با رشد اقتصادی ضعیف را در شرایط نامساوی، وادار به مقابله با کشورهای ثروتمند و شرکت‌های فراملیتی می‌نماید (انتامبوتشیمبرلو، ۲۰۱۳: ۲۷).

در خصوص دلایل موافقت به موارد زیر می‌توان اشاره کرد.

تبادل نظر در مورد موضوعات حقوق بشری و ایجاد انگیزه در روابط

تجاری: اعمال شروط حقوق بشر، زمینه برقراری گفت‌وگو در رابطه با مسائل و موضوعات حقوق بشری را در کشورهای فراهم می‌نماید که تا پیش از این تمایلی به پذیرش چنین گفت‌گویی را نداشتند. در نتیجه در راستای بازشدن باب گفت‌وگو، امکان نظارت بر وضعیت حقوق بشر در کشورهای طرف قرارداد امکان‌پذیر خواهد شد. ایجاد انگیزه‌های تجاری در موافقتنامه‌های تجاری با شرط حمایت از حقوق بشر، یکی دیگر از منافع این موافقتنامه‌ها است. اتحادیه اروپا در زمینه اضافه نمودن بندهای حقوق بشری به موافقتنامه‌های تجاری، سابقه طولانی دارد. مزایای تجاری به این کشورها با این هدف اعطا می‌شود که در راستای ارتقای حقوق بشر، بطور کلی و یا با برنامه‌ریزی جهت‌دار، برای اعمال جنبه‌های خاصی از حقوق بشر گام بردارند. از این طریق بهبود وضعیت حقوق بشر با اقدامات قهری صورت نمی‌پذیرد بلکه از طریق اجابت داوطلبانه که با ارائه مزایای تجاری پاداش داده می‌شود، این مهم مسیر می‌شود. بطور کلی نکات اصلی استدلال موافقان عبارتند از: نخست آن که سیستم حقوق بشر به تنهایی و با قدرت توانسته است مخاطبان خود را به آن سطح از التزام ناشی از باور و پذیرش در خصوص رعایت موازین این دسته از حقوق وادار نماید؛ چرا که اکثر موازین حقوق بشری ضمانت اجرای مناسبی ندارد، یعنی در دسته حقوق فاقد ضمانت اجرای مؤثر یا حقوق نرم جای می‌گیرد. دیگر آن که پاداش‌ها و مشوق‌های سیاسی و تجاری در جایی که منافع ملی سیاست خارجی دولت‌ها اولویت اصلی است، ابزار جذاب‌تر و کارآمدتری جهت تشویق دولت‌ها به رعایت موازین حقوق بشر است.

تأثیر مثبت بر کشورهای در حال توسعه: رعایت موازین حقوق بشر مندرج در موافقتنامه‌های منعقد شده میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، افزایش صادرات و رفاه اقتصادی کشورهای در حال توسعه را در پی خواهد داشت و سطح معیار زندگی مردم این کشورها را بالا خواهد آورد. همچنین مشاغل ایجاد شده توسط سرمایه‌گذاران خارجی، می‌تواند جایگزین بیکاری شود که در نهایت می‌تواند منجر به دستیابی به اهداف موردنظر آنها در زمینه توسعه اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و بالاخص اهداف خاص و نهایی این موافقتنامه‌ها شود (Nwobike, 2012, op.cit: 1383). علی‌رغم دشواری اعمال چنین شروطی، ایجاد یک تضمین عملی و

عینی برای رعایت حداقل استانداردهای حقوق بشری، بهتر از آن است که این استانداردها در حد نوشته‌ای بر روی کاغذ باقی بماند. بنابراین انعقاد چنین موافقتنامه‌هایی، در نهایت توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه را در پی خواهد داشت. به اعتقاد موافقان برای رسیدن به این هدف، یعنی ارتقاء وضعیت حقوق بشر در کشورها، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که علاوه بر نهادهای کشور موردنظر، سیاستمداران آن کشور نیز درگیر شده و همکاری نمایند. برای دستیابی به این هدف باید برنامه‌های مناسب و قابل انجام با توجه به نیازهای کشور موردنظر انجام گیرد.

تأکید دو جانبه بر رعایت موازین حقوق بشر: این شروط به هیچ‌وجه ماهیت موافقتنامه‌های تجاری را تغییر نمی‌دهد. برای اینکه چهارچوب آنها پیرامون مسائلی است که ارتباط مستقیمی با موضوع ارتقاء وضعیت حقوق بشر ندارند. به عبارتی این شروط در یک بیان ساده، صرفاً یک تأکید و تصدیق دوجانبه از ارزش‌های متعارف مشترک و اصول و موازین پذیرفته شده است که به موجب مفاد موافقتنامه به‌عنوان شرطی جهت برقراری و تداوم همکاری‌های تجاری و اقتصادی فی مابین ملحوظ شده است. لذا بطور صریح، شرایط تعلیق موافقتنامه در صورت عدم رعایت و اجابت درخواست احترام به این ارزش‌ها را تبیین نموده است. این رویه در دیوان دادگستری اروپا در دعوی طرح شده توسط دولت پرتغال علیه شورای اروپا در سال ۱۹۹۶ نیز مورد تأیید قرار گرفت. در این دعوی، دیوان اعلام نمود که یک کاربرد مهم شروط حقوق بشر می‌تواند متضمن حق تعلیق یا اختتام یک موافقتنامه در صورت نقض شروط حقوق بشر مذکور در آن باشد (Brandten & Allan, 2011: 474).

نتیجه‌گیری

آثار شروط حمایت از حقوق بشر در موافقتنامه‌های تجاری در خصوص ارتقاء استانداردهای حقوق بشر و رعایت موازین حقوق بشر در عمل و با توجه به ضمانت اجرای آنها قابل تأمل است، در این راستا، می‌توان به کمک‌هایی در جهت توسعه اقتصادی، اعطای امتیازات و ایجاد انگیزه‌ها و مشوق‌های تجاری اشاره نمود.

حاصل این امر در مجموع به بهبود کارایی اقتصادی سرمایه‌گذاری و ارتقاء وضعیت اقتصادی کشور می‌انجامد. از سوی دیگر، در زمان انعقاد پیمان‌هایی در سطح بین‌المللی، دولت‌ها تنها به واسطه اقتدار حاکمیت، مشروعیت نمی‌یابند. با توجه به مطالب مطروحه می‌توان دریافت موافقتنامه‌های تجاری می‌تواند با در نظر گرفتن موازین حقوق بشری منعقد شود. همچنین نه تنها کشورهای در حال توسعه با مطرح کردن حق بر توسعه به‌عنوان یکی از موازین حقوق بشری (نسل سوم حقوق بشر) استقبال نموده‌اند، بلکه کشورهای توسعه‌یافته نیز این امر را تضمینی برای دموکراسی و آزادی‌های سیاسی اتباع خود دانسته‌اند.

شاید بتوان بارزترین نقطه ضعف در اعمال شروط حقوق بشری در موافقتنامه‌های تجاری مشروط به حمایت از حقوق بشر را غلبه ملاحظات سیاسی بر موضوع حمایت از حقوق بشر دانست. این مسئله با نحوه به کارگیری شروط حقوق بشر مندرج در موافقتنامه‌های تجاری اتحادیه اروپا با سایر کشورها به‌ویژه گروه کشورهای افریقا، حوزه کارائیب و اقیانوس آرام قابل ملاحظه است. موافقتنامه‌های تجاری که اتحادیه اروپا با کشورهای در حال توسعه (مانند موافقتنامه‌های لومه و کوتونو) منعقد نموده است و در آنها شروط حقوق بشر به عنوان عنصر اساسی موافقتنامه در نظر گرفته شده است، به دلیل این که نیازهای اقتصادی و تجاری کشورهای در حال توسعه را به عنوان یک اهرم فشار مورد سوء استفاده قرار داده است، ادعای غیرصادقانه اتحادیه اروپا در زمینه حمایت از حقوق بشر را با تردید جدی مواجه کرده است. به عبارتی این اقدام در ذات خود دچار تناقض است؛ چراکه کشورهای در حال توسعه از لحاظ اقتصادی و تجاری نیازمند تداوم اجرای چنین موافقتنامه‌هایی هستند و در صورت لغو اجرای موافقتنامه به علت نقض اساسی موازین حقوق بشری مندرج در آنها، متحمل آسیب و خسارت اقتصادی شدیدی می‌شوند. لذا می‌توان آن را نقض یا بی‌توجهی به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم این کشورها دانست. نکته دیگر آن است که استفاده از این شروط زمینه مداخله در امور داخلی کشورهای طرف موافقتنامه با اروپا و نقض حمایت سیاسی آنها را فراهم می‌آورد؛ چرا که برخی صاحب‌نظران این موافقتنامه‌ها را موافقتنامه‌هایی می‌دانند که از موضع قدرت به سایر کشورها به‌ویژه کشورهای

افریقایی تحمیل شده است.

در مواردی موازین اجتماعی و حقوق بشری می‌توانند توسط تجارت در سطح منطقه و بین‌المللی بهبود یابند که مجازات‌های تجاری برای رسیدن به این هدف به کار گرفته نشوند. راهکار دیگر این است که با افزایش صادرات، رفاه اقتصادی کشورهای در حال توسعه و سطح زندگی مردم این کشورها بالا برود. مشاغل ایجاد شده توسط سرمایه‌گذاران می‌توانند جایگزین بیکاری شود. از این‌رو اعمال محدودیت‌های تجاری که به علت عدم رعایت موازین حقوق بشری مشروط در موافقتنامه‌های تجاری به کار گرفته می‌شود، نه تنها کمکی به بهبود وضعیت حقوق بشر در کشورها نمی‌کند بلکه موجب آسیب‌های بعضاً غیرقابل جبرانی نیز می‌شوند. همچنین در برخی موارد مرتبط نمودن اعطای چنین امتیازاتی با لزوم رعایت حقوق بشر، اگرچه در بدو امر ممکن است در جهت حمایت از اقتصاد و کمک به توسعه تجارت خارجی و بازرگانی کشورهای در حال توسعه به موازات پیشبرد اهداف به اصطلاح حقوق بشری به نظر برسد، اما در نهایت کشورهای توسعه یافته پس از سالیان سال غارت و استثمار کشورهای در حال توسعه به این جایگاه دست یافته‌اند و متأسفانه باعث فقر روزافزون و پایمال شدن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشورها شده‌اند. اگر تداوم روابط این دو گروه از کشورها مدنظر است، می‌بایست در نحوه تعامل بین آنها تجدیدنظر اساسی صورت پذیرد. بنابراین با اتخاذ شیوه‌هایی مانند اعمال شروط حقوق بشر در موافقتنامه‌های تجاری دوجانبه و منطقه‌ای، می‌توانند با نمایش عملکرد مثبت از خود، سطح درآمد کشورهای در حال توسعه را اندکی افزایش دهند تا بدین وسیله ضمن ارتباط با بازار این کشورها امکان مداخله در مسائل داخلی آنها را نیز به بهانه عدم رعایت حقوق بشر و اصول دموکراسی به صفر برسانند. این اقدام بیشتر نشانگر تغییر روش استثمار این کشورها است و پذیرش آن از سوی کشورهای در حال توسعه راحت‌تر خواهد بود. در غیر این صورت پذیرش شروط حقوق بشری مذکور در موافقتنامه‌های تجاری بیشتر از آنکه ناشی از حسن همکاری باشد، ناشی از اجباری است که به بهانه توسعه اقتصادی و رفاه بیشتر متحمل می‌شوند. از دیگر دلایلی که کشورهای توسعه یافته تمایل به انعقاد موافقتنامه‌های

مذکور دارند، حفظ ثبات و امنیت در منطقه است که در واقع در سایه آرامش ایجاد شده بتوانند به مناسبات تجاری و اقتصادی خود بپردازند و احترام به موازین حقوق بشر چندان مدنظر نیست.



یادداشت‌ها

1. African, Caribbean and Pacific Group of States (ACP):

گروه کشورها در سال ۱۹۷۵ و به موجب موافقتنامه جورج تاون تاسیس یافته است. اعضای تشکیل دهنده این موافقتنامه دربردارنده کشورهای زیر است: آنگولا، آنتیگوا، بابودا، باهاماس، بلیز، تیسوانا، بوركینافاسو، بروندي، کامرون، کیپ‌ورد، جمهوری افریقای مرکزی، چاد، کومور، کنگو، جزایر کوک، ساحل عاج، جمهوری دموکراتیک کنگو، جیبوتی، جمهوری دومینیکن، تیمور شرقی، گینه استوایی، ارتیره، اتیوپی، فیجی، گابن، گرانادا، جمهوری غنا، گینه، گینه بیسائو، گویان، هائیتی، کنیا، جامائیکا، کریباتی، لسوتو، لیبیا، ماداگاسکار، مالاوی، مالی، جزایر مارشال، موریتانی، موریس، میکرونزی، موزامبیک، نامیبیا، نائورو، نیجر، نیجریه، نیپال، نیوآلثو، گینه‌نو، رواندا، سنت گیتس و ناموو، لوسیا، سنت ونسنت و گرانادا، ساموا، سائوتومه و پرنسیپ، سنگال، سیشل، سیرالئون، جزایر سلیمان، افریقای جنوبی، سومالی، سودان، سورینام، سوازیلند، تانزانیا، توگو، تونگا، ترینیداد و توباگو، توالو، اوگاندا، وانواتو، زامبیا، زیمبابوه، لازم به ذکر است که کوبا عضو این گروه است اما موافقتنامه کرتونو را به امضا نرسانده است. نگاه کنید به:

https://en.wikipedia.org/.../African,_Caribbean_and_Pacific_Group_of_States.

۲. نسل کشی رواندا: در سال ۱۹۹۴ به دنبال سقوط هواپیمای حامل «جونال هابیا ریمانا» رئیس‌جمهور وقت رواندا نزدیک کیگالی، پایتخت این کشور به وقوع پیوست. قوم «هوتو» این عمل را به قوم توتسی نسبت داد. همین امر منجر به آغاز درگیری‌های شدید میان دو قوم شد که به کشتار ۸۰۰ هزار توتسی رواندایی و هوتوهای میانه‌رو در مدت ۱۰۰ روز توسط هوتوهای تندرو انجامید. با آغاز نسل‌کشی سازمان‌یافته که ۱۰۰ روز طول کشید، ۸۰۰۰۰۰ (به آمار سازمان ملل اوپا ۱۰۷۱۰۰۰ به آمار رواندا) از قوم توتسی و هوتوهای میان‌رو که از پیروی از دستورات هوتوهای تندرو ممانعت کرده بودند، کشته شدند. نسل‌کشی هوتوها از نیروهای نظامی توتسی‌ها و سایر کشورهای افریقایی متوقف شد و بعدها دادگاهی برای محاکمه سران نسل‌کشی تشکیل شد (منبع نسل‌کشی رواندا: fa.wikipedia.org/widi/).

۳. فیجی تا پیش از کسب استقلال در سال ۱۹۷۰، مستمره بریتانیا بود. این کشور در سال ۱۹۸۷ نظام جمهوری را پذیرفت و طبق قانون اساسی سال ۱۹۹۷، نظام دموکراتیک بر آن حاکم شده است. براساس قانون فیجی رئیس‌جمهور، رئیس حکومت و

نخست‌وزیر رئیس دولت است. این کشور از سال ۱۹۸۷ درگیر کودتا و حکومت نظامیان شده است. ژنرال سیتیونی رابوکا طی کودتایی در سال ۱۹۸۷ به قدرت رسید، در همین سال در فیجی نظام جمهوری برقرار شد. راتو سیرکامیسه مارا در سال ۱۹۹۴ رئیس‌جمهور فیجی شد، رئیس‌جمهور سابق از حزب سیاسی فیجی نیز در سال ۱۹۹۲ در اولین انتخابات بعد از کودتا به سمت نخست‌وزیری رسید. در سال ۲۰۰۰ میلادی راتو ژوزفا ایلوئیلو به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. نگاه کنید به:

<http://rahchamani.mihanblog.com/page/10> .

۴. کشورهای حوزه بالتیک شامل سه کشور اسلونی، لاتویا و لیتوانی است.





منابع

الف) فارسی

- انتامبوتشیمبرلو، رافائل. ژانویه ۲۰۱۳. «اتحادیه در خشم انتقاد»، منیر دووار، شماره ۷۹، مقاومت‌های افریقا، لوموند دیپلماتیک.
- عزیزیان، ماجد. ۱۳۹۰. «بررسی آثار شروط حقوق بشر در موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی»، دانشگاه تهران.
- نیوجنت، نیل. ۱۳۹۳. سیاست و حکومت در اتحادیه اروپا، ترجمه محسن میردامادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ب) انگلیسی

- Alston, Philip. 2013. **European Union and Human Rights**, Oxford: Oxford University Press.
- Aaronson, Susan Ariel. March 2010. "Is the wedding of Trade and Human Rights a Marriage of Convenience or a lasting union?" **Human Rights and Human Welfare (An Online journal of Academic Literature Review)**, Vol. 10.
- Brandten, Barbara and Rosas, Allen. 2011. **Trade Preference and Human Rights, The EU and Human Rights**, Edited by: Alston, Philip with Bastelo, Mara and Heenan, James, Oxford University Press.
- Brown, William. 2011. **The European Union and Africa: The Restructuring of North South Relations**, New York: I. B. Tourins.
- Carbone, Mourizio. 2005. **The Role of Civil Society in the Cotonou Agreement, the European Union and The Developing Countries**, Edited by: Babarinde, Olufemi and Faber, Gerrit, Martinus Nijhoff Publishers.
- European Union Annual Report on Human Rights**. 2008. Luxembourg: Office for Official publications of the European Communities.

- European Commission. 8 May 2001. Communication from the European Union's External Council and the European Parliament, **The European Union's Role in Promoting Human Rights and Democratization in Third Countries**, 252 Final, Brussels.
- European Commission**. 1 April 2003. The Cotonou Agreement Enters in to Force Today (1 April 2003).
- European Parliament**. 2005. "Human Rights and Democracy Clauses in the EU's International Agreements", Directorate General for External Policies of the Union, EN Version.
- EU-South Korea Free Agreement**, at: [http:// www. fta. go. kr/ pds/ fta_korea/ eu_all_of_text_e.pdf](http://www.fta.go.kr/pds/fta_korea/eu_all_of_text_e.pdf).
- Farrell, Marry. 2005. "A Triumph of Realism over Idealism? Cooperation between the European Union and Africa", **Journal of European Integrations**, Vol. 27, No. 3.
- Fierro, Elena. 2003. **The EU's Approach to Human Rights Conditionality in Practice**, Martinus Nijboff Publishers.
- Gadrun, Monica, "WTO and Human Rights: Examining Linkages and Suggesting Convergency", **IDLO Publication**, Vol. 2.
- Hafner-Burton, Emilie. M. 2005. "Trading Human Rights: How Preferential Trade Agreements Influence Governments Repression, International Organization", **Cambridge University press on Behalf of the International Organization Foundation**, Vol. 59, No. 3.
- Hafner-Burton, Emilie. M. 2009. "The Power Politics of Regime Complexity: Human Rights Trade Conditionality in European", **Perspectives on Politics (Journal)**, Vol. 7, No. 1.
- International Affairs and Defense (House of Commons Library). 2011. The Human Rights Clause in the EU's External Agreements, **Research Paper, 07/83**, [http:// www. parliament. uk/ documents/ commons/ lib/ research/rp2004/rp04-033.pdf/](http://www.parliament.uk/documents/commons/lib/research/rp2004/rp04-033.pdf/).
- Kolben, Kevin. May 2006. "Foreign Investment and the Human Rights Link (Human Rights, Trade and Investment Matters)", **Amnesty International**.
- Krasmann, Hana. 2010. Social Standards and Human Rights Clauses in Trade Agreements, **WTO Public Forum**, Session 22, <http://www.Fes-globalization.org/geneva/documents>.
- Nwobike, C. 2012. "The Application of Human Rights in African Caribbean and a



Pacific, European Union Development and Trade Partnership", **German Law Journal**, Vol.6, No. 10.

Schultz, William. F. 2001. **How Defending Human Rights Benefits Us**, Boston: Beacon Press.

Trubek, David, Mand Cottel, Patrick, Mark Nance. 2012. Soft Law, Hard Law European Integration: Toward and Theory of Hybridity", University of Wisconsin Legal Studies, **Research Paper**, No. 1002, <http://eucenter.wisc.edu/OMC/papers/EUC/trubeketal.pdf>, 2014/07/16.

Van Genugteu, Willem. 2001. "Human Rights are not for Sale (on University and Conditionality)", **Dealing with Human Rights (Asian and Western Views on the Value of Human Rights)**, Edited by: Meijer, Martha: Kumaria Press.

